

خرده گیری های پیشروان ادبیات مدرن

از خمسه نظامی

به تصحیح وحید دستگردی



سعید کریمی قره بابا

(دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور)

چکیده

وحید دستگردی شاعر، نویسنده، نسخه پژوه و از رجال سرشناس سیاسی و فرهنگی زمان خود بود. وحید به ادبیات کهن علاقمند بود و انجمن ادبی حکیم نظامی را پایه گذاشت و سالهای متمادی از عمر خود را در راه تصحیح خمسه نظامی صرف کرد. انتشار خمسه نظامی به تصحیح و اهتمام وحید، از سوی نوگرایان با استقبال مواجه نشد. در این مقاله به برخی از واکنش های نوگرایانی مثل صادق هدایت و نیما یوشیج به تصحیح وحید از خمسه نظامی و واکنش وحید به این دسته از نوگرایان می پردازیم.

حسن وحید دستگردی (۱۲۵۸-۱۳۲۱ ه. ش) شاعر، نویسنده، نسخه‌پژوه و یکی از رجالِ سرشناس سیاسی و فرهنگی در دوره مشروطه و پهلوی اول بود. او را همانند ادیب‌الممالک فراهانی، امیری فیروز کوهی، فروزانفر و همایی ادیبی سنت‌گرا قلمداد می‌کنند (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی و آثار وحید دستگردی ر. ک: فرجی، ۱۳۹۵ و خلیلی، ۱۳۸۳). وحید در نیمه اول زندگی‌اش مبارز راه آزادی و استقلال ایران بود. حس وطن‌دوستی او را به سرایش اشعاری با موضوعات سیاسی و موضع‌گیری در قبال ستمگران، مستبدان و دولت‌های استعماری روس و انگلیس برانگیخت. وحید با بر سر کار آمدن رضا شاه به حمایت از حکومت وی پرداخت و در هیئت استادی مسلط به ادبیات کهن، «انجمن ادبی حکیم نظامی» را تأسیس کرد و در آن نهاد به ترویج و تبلیغ سیاست‌های محافظه‌کارانه فرهنگی رضاشاه در عرصه ادبیات اقدام نمود. این نوع ادبیات مخالف تحول در حوزه‌های قالب و فرم و زبان بود و تنها نوگرایی ملایمی را در حیطه مضامین پیشنهاد می‌کرد. افکار واپس‌گرایانه در فرهنگ و سیاست وحید دستگردی را آماج حملات تند و هتاکانه نسل اول نوگرایان قرار داد. عارف، عشقی و بهار در شعر خویش وی را هجو و هزل گفتند^۱. وحید در انجمن ادبی حکیم نظامی علاوه بر گردآوردن شعرای زمانه به دور خود به تصحیح خمسه نظامی نیز همت گمارد (برای مطالعه بیشتر در زمینه انجمن‌های ادبی دوره پهلوی اول ر. ک: رستمی و فلاح، ۱۳۹۳). اغلاط فراوانی به نسخه‌های خمسه در طول قرون راه یافته بود و تهذیب این اثر مهم تاریخ ادبیات ایران از هزاران غلط و تصرف ریز و درشت و ارائه نسخه‌ای منقح در آغاز سده جدید شمسی کاری ضروری می‌نمود؛ وحید دستگردی به سبب علاقه شخصی و مطالعاتش در شعر قدیم پای در میدان تصحیح خمسه نظامی نهاد و سال‌های متمادی از عمر خود را صرف این تحقیق کرد. او ابتدا سی نسخه کهنسالِ خمسه (مابین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ ه. ق) را جمع آورد و با کوششی طاقت‌فرسا تصحیح و شرحی قابل توجه از این کتاب به دست داد. علی‌رغم انتقاداتی که به روش‌شناسی این تصحیح می‌توان وارد ساخت، هنوز این تصحیح و خصوصاً تعلیقاتش اعتبار خود را حفظ کرده است و همچنان در پژوهش‌های نظامی‌شناختی از آن استفاده می‌شود. وحید دستگردی آثار نظامی را در ۷ جلد (شرف‌نامه و اقبال‌نامه به صورت مجزا به همراه گنجینه گنجوی مشتمل بر فرهنگ لغات و عبارات دشوار خمسه و دیوان نظامی) و از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ ه. ش منتشر کرد. مساعی وحید دستگردی در تصحیح خمسه عظیم و چشمگیر بود. او با توجه به امکانات و محدودیت‌های

”

وحید دستگردی به سبب علاقه شخصی و مطالعاتش در شعر قدیم پای در میدان تصحیح خمسه نظامی نهاد و سال‌های متمادی از عمر خود را صرف این تحقیق کرد. او ابتدا سی نسخه کهنسال خمسه را جمع آورد و با کوششی طاقت‌فرسا تصحیح و شرحی قابل توجه از این کتاب به دست داد.

علی‌رغم انتقاداتی که به روش‌شناسی این تصحیح می‌توان وارد ساخت، هنوز این تصحیح و خصوصاً تعلیقاتش اعتبار خود را حفظ کرده است و همچنان در پژوهش‌های نظامی‌شناختی از آن استفاده می‌شود

“

زمانه خود با سربلندی توانست این رسالت شایان ستایش را به انجام رساند. این کار وحید اما از همان بدو انتشار چندان با استقبال گرم اصحاب دانش و ادب مواجه نشد. وحید در این خصوص می‌نویسد: «این گروه [طاعنان و حاسدان و نکوهندگان] با هر نسخه‌ای از نسخ نظامی که پس از تصحیح و تشریح کامل منتشر می‌گردد، عووکنان بر طینت خود تنیده و نه تنها به ما بلکه به استاد بزرگ باستان هم زبان جسارت دراز و بلاهت و حماقت خود را به عالمیان ثابت می‌سازند» (وحید دستگردی، ۱۳۱۳: ۶۴۹). در این میان، پیشروان ادبیات مدرن با تصحیح خمسه برخوردی سرد و حتی استهزاء‌آمیز داشتند و می‌خواستند تا آن را اثری نه چندان شایسته اعتنا بشناسانند. نیما یوشیج با لحنی که خالی از غرض‌ورزی نبود کاغذهایی را که خمسه در آن چاپ شده، نامناسب می‌دانست. گویی این کتاب‌ها هیچ وجه مستحسن دیگری ندارد. «چاپ نظامی وحید دستجردی بسیار کثیف و بی‌سلیقه است... گراورها بسیار کثیف و محو و بی‌جهت و بی‌فایده و بدون زیبایی است و همه این‌ها نشان می‌دهد که مباشر طبع که وحید دستجردی باشد چگونه آدمی است... کتاب‌های قدیم باید کاغذهای خاص داشته باشند. این همه روشنی با تصاویر کثیف و بی‌جا همه چیز را بی‌جا و کثیف می‌کند. وقتی که یک قصیده خاقانی را در روی کاغذهای کهنه قدیم می‌خوانیم

خود من حظّ دیگر می‌برم... این تلاش‌ها در خصوص بهترین چاپ‌ها معنی ندارد» (یوشیج، ۱۳۹۶: ۹۰). بیشترین توجه را اما صادق هدایت نشان داد. او در سال ۱۳۱۹ مقاله‌ای انتقادی درباره جلد هفتم از *خمس نظامی* در شماره‌های یازدهم و دوازدهم مجله موسیقی با عنوان «شیوه نوین در تحقیقات ادبی» و با امضایی دیگر به چاپ رساند.^۲ متن کامل این مقاله را اکنون در «نوشته‌های پراکنده» می‌توان خواند. این نوشته آکنده از اشارات طنزآلود است و سبک مبتکرانه هدایت را در ولنگاری و برخی دیگر از آثارش فریاد می‌آورد. مقاله مذکور البته چندان جنبه جدی ندارد و انتقادی ساده و خودمانی است و گاه کاملاً عالمانه. هدایت آگاهی‌اش را نسبت به ادبیات کلاسیک با مطالبی که درباره رباعیات خیام، ویس و رامین و لغت فرس اسدی طوسی تألیف کرده، به اثبات رسانده است. مقاله یادشده که آن را باید جزو نخستین نقدها از *خمس نظامی* به تصحیح وحید دستگردی در نظر گرفت^۳، از دانش وسیع هدایت در ادب کهن حکایت دارد. زبان وی در نوشته مزبور آشکارا کنایه‌آمیز و دو پهلوست. برای مثال دستگردی در ذیل بیت:

«اگر دولت بود کآرم به دستش چو دولت خود کنم خسرو پرستش»

[وحید دستگردی] نوشته است که یعنی اگر کار من به دست او دولت باشد...» (هدایت، ۱۳۸۳: ۴۲۱). ولی هدایت افزوده است: دانش‌آموزی می‌گفت معنی شعر این است که اگر بخت باشد که او را به دست بیاورم... ولی البته هزار البته به زعم این ضعیف، قول دانشمند محترم اصحّ است» (همان). و یا دستگردی درباره «برسم» نوشته که کتابی مقدس در کیش بهی است و هدایت این توضیح را چنین به سُخره گرفته است: «از مزایای این فرهنگ آن است که گاهی این گونه شوخی‌های ملیح را نیز در آن گنجانده‌اند و در عین حال کتابی ادبی و فکاهی تألیف کرده‌اند تا طبع خوانندگان را که از خواندن تحقیقات دقیق علمی ملالت یافته، انبساطی دست دهد و گرنه محقق مدقق البته می‌داند که برسم کتاب نیست و ترکیه‌های انار و گز است که زردشتیان در موقع دعا خواندن به دست می‌گرفته‌اند...» (همان: ۴۲۳). و یا دستگردی «شبگیر» را رفتن و مسافرت در شب معنی کرده است و هدایت چنین مرقوم داشته است: «این کلمه تا آذر ماه ۱۳۱۸ به معنی سحرگاه و سپیده بوده است» (همان: ۴۲۷). هدایت مقاله‌اش را با این بند به پایان رسانده است: «امیدوارم که محقق دانشمند خرده‌گیری‌های این حقیر را که در نتیجه زحمات و مشقات بسیار تهیه شده به نظر عفو و اغماض بنگرد و در آینده پیوسته جمله معارف‌پژوهان را از پرتو معلومات خود مستفیض

بنماید. زیرا محقق محترم از تعریف و تمجید بی‌نیاز است و فداکاری‌ها و مشقات ایشان در راه علم و ادب بر عالمیان آشکار و محتاج به تذکار نمی‌باشد» (همان: ۴۲۸). در نهایت برای خواننده معلوم نمی‌شود که نگارنده سخنان اخیر را از سر شوخی و طنز تحریر کرده و یا جدّاً بر این نظر است. جالب آن است که هدایت در سرتاسر این نوشته هیچ نامی از وحید دستگردی نمی‌برد. بسیاری از نکاتی که هدایت در حوزه معنی و یا ریشه‌شناسی کلمات در این نقد بر آنها انگشت گذاشته است، صائب و صحیح می‌نماید لیکن لحن تمسخرآلود نوشته را نمی‌توان نادیده گرفت. قضاوت ستیزه‌آمیز و بعضاً نامنصفانه این طیف از شاعران و نویسندگان نوگرا^۹ درباره فعالیت‌های علمی وحید دستگردی به ذوق سنت‌گرایانه غلیظ^{۱۰} وی در ساحت ادبیات خلاقه برمی‌گشت. عامل دیگر در نادیده گرفته شدن وحید توسط متجددان، پایگاه اجتماعی او بود. وحید به حاکمیت و قدرت نزدیکی می‌جست و در اشعارش اقدامات رضاشاه را می‌ستود؛ همین عامل خود باعث واگرایی این دو گروه از یکدیگر می‌شد.

در این رقابت چنان نبود که تنها نوگرایان به وحید بتازند. وحید نیز از هر فرصتی برای تلافی جویی سود می‌جست. تصحیح و طبع ویس و رامین توسط مجتبی مینوی و با حمایت معنوی صادق هدایت در سال ۱۳۱۴ یکی از آن فرصت‌ها بود. وحید از چاپ این کتاب رضایتی نداشت و آن را به منزله رقیبی برای خمسه نظامی می‌پنداشت. او در جایی ویس و رامین را افسانه‌ای زشت و کتابی دشمنِ ناموس و خصمِ تاریخ عظمت اخلاقی ایران (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: مو) تصور کرده و سپس آن حسّ حسادت خود را عیان ساخته و نوشته است: «ایرانیان افسانه ویس و رامین را به دور انداخته و به نشر و استنساخ و خواندن کتاب‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون پرداخته‌اند. از کتاب ویس و رامین جز اسمی در تذکره‌ها باقی نمانده و مانند دیوان سوزنی عنکبوت نسیان تار فراموشی بر او تنیده است» (همان). پیش‌بینی وحید از آینده ویس و رامین رویکردهای ادبی/ اخلاقی وی را آیینگی می‌کند: «در این اواخر هم گرچه با اشتباه‌کاری طبع و نشر شده ولی باز هم مسلم شیوع نخواهد یافت و راه طاق نسیان را پیش خواهد گرفت» (همان). این جمله، آرزوی قلبی وحید برای پیروزی جریان متبوعش بر متجددان را نمایان می‌سازد. وحید اما از این نکته غافل بود که جایگاه شاعران در تاریخ ادبیات مُدام در حال تغییر است و چه بسیار کتابی که در ادوار گذشته چندان مقبول پیشینیان نبود ولی در روزگارانی دیگر و با تحول روح زمانه مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- گویا وحید در شعری از بهار و عارف و عشقی با الفاظ زشت و ناپسند یاد کرده و این سه شاعر را به خیانت به وطن و مزدوری برای انگلیس و بیگانگان متهم نموده بود. این اتهام ناحق، آنان را وادار به سرایش هجویه‌هایی درباره وحید کرد. غورکنندگان در تاریخ ادبیات به نیکی واقفند که پشت پرده چنین نزاع‌هایی به‌ظاهر سیاسی می‌تواند که کشمکش‌هایی بوطیقایی در جریان باشد. در ارتباط با بحث ما شاید نزاع بوطیقایی شاعران سنت‌گرای افراطی با سنت‌گرایان معتدل، انگیزه سرایش این هجویه‌ها بوده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: جعفری جزی، ۱۳۹۷: ۱۰۶.
- ۲- بر خلاف این شاعران، ایرج میرزا و شهریار شخصیت علمی و منش فرهنگی و اخلاقی وحید دستگردی را ستوده‌اند (ر.ک: ایرج میرزا، ۱۳۵۶: ۱۷۸ و شهریار، ۱۳۸۲: ۴۸۵).
- ۳- پارسی‌نژاد درباره انتساب این نوشته به هدایت تردید روا داشته و نوشته است: «هدایت در فراهم کردن این مقاله، از یادداشت‌های دوست سخن‌شناسش پرویز ناتل خانلری بهره برده اما آن را به نام دوست محترمش علی اصغر سروش به چاپ رسانده است» (۱۳۸۰: ۲۹۸). پارسی‌نژاد در ادامه، این مقاله را از جمله جدی‌ترین آثار هدایت در حوزه نقد ادبی خوانده است که نظرگاه او و دوستان ادیبش را در دفاع از موازین تصحیح انتقادی متون نشان می‌دهد و در عین حال نادانی (!) و بی‌ذوقی ادیبان سنت‌پرست معاصر خود را در تصحیح و تفسیر متون کلاسیک ادبیات فارسی آشکار می‌کند» (همان: ۳۰۱).
- ۴- در دوره ما پیرامون شروح وحید دستگردی بر منظومه‌های پنج‌گانه نظامی نقدهای عالمانه بسیاری نوشته شده است که به سه نمونه از آن اشاره می‌کنیم:
 - ثروتیان، بهروز (۱۳۵۱)، «بررسی حواشی مرحوم وحید دستگردی بر مخزن الاسرار نظامی»، مجله زبان و ادب فارسی (دانشگاه تبریز)، ش ۱۰۳، صص ۳۶۲-۳۸۹.
 - قاسمی‌پور، قدرت (۱۴۰۰)، «نقدی بر شرح خسرو و شیرین نظامی چاپ استاد وحید دستگردی»، مجله کهن‌نامه ادب پارسی، س ۱۲، ش ۲، صص ۳۲۳-۳۵۶.
 - موسویان، سیدشاهرخ (۱۴۰۰)، «بررسی برخی از خطاهای وحید دستگردی در شرح خسرو و شیرین»، مجله کهن‌نامه ادب پارسی، س ۱۲، ش ۱، صص ۳۶۱-۳۸۳.
- ۵- هدایت در داستان کوتاه «میهن‌پرست» تصویری هجوآلود از ادیبان سنت‌گرا و محافظه‌کار ارائه داده است.

در این داستان سیدنصرالله ولی یکی از ادبای بانفوذ در میانه مأموریتی فرهنگی به صداقت رئیس و رؤسایی مانند وزیر فرهنگ تردید می‌کند و تبلیغات دولتی درباره دستاوردهای بزرگ فرهنگی و اجتماعی عضو رضاشاه را توخالی می‌یابد و عاقبت بر اثر هراس و وسواس فکری دچار کابوس آتش گرفتگی در کشتی می‌شود و می‌میرد (۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۴۲).

۶- وحید دستگردی البته به درجه‌ای از تحول اعتقاد می‌ورزیده است! او جزوهای با عنوان «انقلاب ادبی یا تجدد ادبی» دارد که در فحوای آن جهد بسیار می‌کند تا به خیال خود معنای حقیقی تجدد را پدیدار سازد و این اصطلاح را از دست طرفداران دروغین آن نجات دهد. اوج تجدد ادبی از نگاه وی در شیوه قآنی و ادیب الممالک فراهانی خلاصه می‌شد (وحید دستگردی، ۱۳۳۴).

منابع

- ۱- ایرج میرزا (۱۳۵۶) دیوان کامل، ج ۴، تهران: اندیشه.
- ۲- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۰)، روشنگران ایرانی و نقد ادبی، ج ۱، تهران: سخن.
- ۳- حقیقی نخجوانی، حمید (۱۳۵۲)، «نقدی بر خسرو و شیرین تصحیح مرحوم وحید دستگردی»، مجله دانش روز، ش ۳، صص ۲۴۵-۲۵۲.
- ۴- جعفری جزی، مسعود (۱۳۹۷)، «تغییر جایگاه شاعران در تاریخ ادبیات؛ ادامه عصر رضا شاه»، مجله بخارا، ش ۱۲۳، صص ۱۰۳-۱۱۲.
- ۵- خلیلی، سید حسین (۱۳۸۸)، «نظری کوتاه در زندگی و آثار استاد فقید وحید دستگردی»، مجله پیام بهارستان، د ۲، س ۲، ش ۶، صص ۵۹۵-۶۰۶.
- ۶- رستمی، زهرا و مرتضی فلاح (۱۳۹۳)، «نقش انجمن‌های ادبی مؤثر دوره پهلوی اول در روند شعر معاصر»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، س ۶، ش ۲۲، صص ۸۱-۱۰۶.
- ۷- شهریار، محمد حسین (۱۳۸۲) دیوان، چاپ مکرر (اول نگاه)، تهران: نگاه و زرین.
- ۸- فرجی، ایرج (۱۳۹۵)، «وحید دستگردی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۶، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۹- وحید دستگردی، حسن (۱۳۳۴)، انقلاب ادبی یا تجدد ادبی؛ به سعی وحیدنیا، ج ۱، تهران: شرکت دیهیم.
- ۱۰- _____ (۱۳۱۳)، «تصحیح خمسه نظامی»، مجله ارمغان، س ۱۵، ش ۹، صص ۶۴۱-۶۵۱.
- ۱۱- هدایت، صادق (۱۳۸۴)، گزیده داستان‌های کوتاه صادق هدایت (ج ۲)، چ ۵، تهران: کاروان.
- ۱۲- _____ (۱۳۸۳)، نوشته‌های پراکنده، گردآوری حسن قائمیان، چ ۲، تهران: جامه‌دران.
- ۱۳- یوشیچ، نیما (۱۳۹۶)، یادداشت‌های روزانه نیما یوشیچ، به کوشش شراگیم یوشیچ، چ ۳، تهران: مروارید.